

(قیمت سالانه)
از وزرا و اعیان دولت بقدر
معارف دوستی شان
برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی
ومعاونین و قائم نکاران (فخری)
رایگان
از عموم خردمندان در داخله
(۱۲) روپیه کابلی در خارجه
نمی بند انگلیسی با محصول پوسته
از طلاق و محصلین نصف قیمت
شماهه
داخله خارجه
(۸) روپیه (۷) شانگ

درین جریده از هر کونه علوم و وقایع سیامی
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث می شود

(مطبوعه واداره خانه)

(ده افغانی کابل)

سید مرتضی

سید محمد قاسم

همه امور تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات

وارده مختار است

در هر هفته یکبار نشر می شود

او را چه که درج نشود اعاده نمی شود



از ابتدای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش

جوییده برایش فرستاده می شود

قیمت یک شماره یک عباسی

تاریخ شمسی (۶) جوزا ۱۴۰۴ هجری (۴) شنبه (۱۴۴۲) هجری

شرکت نموده و ثلث روزت علم را مالک است، سائر دول محارب
حتی بعض دول بی طرف هم از سبب نداشتن مال با اعظم
مشکلات دوچار شده اند. قحط و گرسنه کی تمام روسیه را
استیلا کرد. المان و آستریا از تنگستنی و افلاس کارش بجانی
رسید که امکان وقوع آن بخاطر هیچکس خطور نکرده بود.
قیمت نقود معظم دول فوق العاده تنزل نموده بازارهای مالی
معرض هرج و مرج گردید و در سیر تجارت سکته و اضطراب
تولد یافت و رخلاف عقیده ارباب خبرت که می گفتند بعد ازین
جنگ کینه، دشمنی و ظلم با کشتگان جنگ یکجا بخوا
مدفون شده جای آن را تعاقون، التیام، انتشار محبت و سلم
خواهد گرفت، آتش غیرت وعداوت باهی را بیشتر ساخت.

بعد از جنگ عمومی ارکان مالیات دول بزرگ چهار
جیز بود، اول قسمت از توان جنگ. دوم قرضه هایی که
یکی بر دیدگری داشت خصوصاً از دول متحده امریکا سوم منافع
قرضه ها و مال مستهلك و تعویض و تعمیر در داخل بلاد، چهارم
زدیات جایات و محصولات و رسوم برای پرداخت نفقات و تعویض
تزریک به نقود از باعث تفاوت قیمتها عارض شده بود. متفقین
تاییک مدت تحقیق امر اول را به دل پرورانیده خوشوقت داشتند
ومستر لائید جارج که در انوقت رئیس وزیر ای انگلستان بود
با صدای بلند اظهار داشت «کیسه المان را خالی کرده تا پول
آخرینی که در آن باشد ازو میگیرم ». جمهور مردم قول این
سیاسی بزرگ را تصدیق نمودند و بوجوب معاهده و رسایل
بردوش المان آن مقدار غرامات و تعویضات گذارند که اگر
ادای آن را تسلیم می نمود و می توانست بپردازد صدها سال غلام

مطالعات و افکار

* اسباب سقوط کابینه فرانسه *

جمهور مردم مخصوصاً شعراء به خصوص مال افکار و عقائد
مختلف دارند. امایش ارباب دول و حکومتها اهمیت فوق التصور
مال از مسلمات است، چون که مال یگانه و سیله یقایع عزت
ودوام شیون دولت است. دولتی که دوچار افلاس گردید همان
وقت محکوم به فناست. اکثر دول که هنگام پیش آمدن مصارف
گزاف اقتدار مالی شان را باخته اند رو بودی عدم گذارده
اند. اما این یک مسلم است که به محض داشتن مال ویا بدست
آوردن آن کار پیش نمی رود، بایستی اداره مالی بدرجۀ نهائی منتضم
بوده پول را از منابع مناسب جمع آوری و به موقع لازم صرف
نماید. از امساك و اسراف بیجا محترز باشد. مال را طوری
بکار بیندازد که مصدر قوت و راحت دولت گردد. اگر مال
باین نحو اداره و صرف نشود فائده آزان متصور نیست و صاحب
مال را به غایه که ازان متوقع است نمیرساند.

لاآن این را هم فراموش نباید کرد که نظریات خیلی سهل
و اتطیق آن با اعمال حیات بی نهایت صعب است. دول بزرگی
که داخل جنگ عمومی گردیدند دو جنگ نمودند: یکی جنگ
میدان حرب که از سال (۱۹۱۸ م) تا (۱۹۱۸ م) چهار
سال دوام داشت، دیگر جنگ مالی که بعد از انطفاء آتش
جنگ عمومی شروع شده است و معلوم نیست که چه وقت ختم
خواهد شد. باستانی امریکا که در مراحل آخرین جنگ

که فرانسه در اروپا روی کار آورد. ۱۰۰ گرچه امریکا بربسط وسائلیکه فرانسه را در موقع ایالی او از تادیه قروض امریکا اجبار و اکراه نماید، اقدام نکرد. لاتن نیات و اختلاف او با فرانسه مرکز مالی فرانسه را ضعیف ساخت چون دول در هیچ احوال بهمنابه تجارت بوده اعتمادمالی برای آن سبب میشود

برای نیل به مقام بزرگی در نقوص مردم این دو عامل در خلال این شش سال اثر خود را در مالیه فرانسه نموده رفت، و در مقابل حاره که اثر آن را ضعیف کند یاتاچ آن را از الله نماید چنانچه انگلیس نمود بعمل نیامده لاجرم دیون اهالی وطن و دیوبون سارین و کاغذات مالی فوق العاده زیاد شده و معلوم است که هر یک ازین زیادتها موجب تزلق قیمت نموده میشود. ولی عظمت مقام فرانسه و مهارت رجال مالی او و حصول (۹۰) فیصد از ارزاق مردم از نفس مملکتش و آمدن باقی از مستعمراتش تایلند حدى از پریشان فرانسه و رفتن مقامش جلوگیری نموده حاشی از حالات کنونی بدتر نشد والا حال او حتی از المان بدتر می شد.

لکن قوانین طیعت را مغلوب نمی توانکرد. هر قدر انسان بداطلیف و تاخیر آثار آن بکوشید فلا یا مآل اثر خود را می خشد لاجرم بخزانهای اقتصادی در اثر عوامل مذکوره حتمی بوده است. مهمترین این بخزانهای تزلق فوق العاده فرانک بود در سال گذشته. چنان چه قیمت یک بوند انگلیسی از (۵۰) فرانک به (۱۲۵) فرانک رسید لاتن ذکاء و کار دانی بوانکاره به بسیار زودی از تزلق فاخت فرانک جلوگیری نمود و قیمت سابق فرانک را اعاده داد. در این موقع بوانکاره تصمیم گرفت که رویه انگلستان را به خصوص رفع این بخزانهای اقتصادی اختیار نماید و بر محصولات یافزارهای لاکن با صعوبات بسیار مشکل دوچار شد و در نتیجه آن صعوبات وزارتش هم سقوط کرد و وزارت اشتراک موسیه برو جای آن را گرفت.

موسیه برو هم توانست از بخزانهای اقتصادی جلوگیری و ضعف مالی را تدارک نماید چنانچه بودجه (۱۹۲۵ م) مطرح مناقشه برگزی گردیده سخن بخانی رسید که موسیه کلمنت و زیر مالیه استفاده داده بمحای او مسیو (د موئزی) وزارت مالیات را اشغال نمود. مسیو دموئزی هم هر چند کوشش کرد کار مفیدی توانست بجز اینکه بودجه از مجلس معونان گذشت لاتن چون مجلس اعیان رسید مطرح مناقشه گردیده هیئت مخصوصی برای درست کردن آن تعین یافت بعد از مذاکرات طولانی و مجالس مکرره مسیوه برو طالب اخذ آرا و حصول اعتماد بحکومت شد. ولی برخلاف عقیده اش در اقلیت واقع شد و استغناداد.

نمایند و دول فاتح نیز ضرور شدیدی وارد می آمد و لو از دیوبون خود هم قسمی را تادیه می توانست. لاتن المان از تسیم به تادیه توان ابا نمود و انگلیس اول کسی بود که حقیقت مسئله را در یافت و امید خود را از همه جهات قطع نموده بار خود را بردوش خود گرفت و محصولات را مضاعف کرد و با امریکا به خصوص قرضهای او مقرر آن عقد نمود. در اول بودجه انگلیس آقدر بلند رفت که نظیر آن در تاریخ دول دیده نشده است، چنانچه بعد از جنگ بودجه او به (۱۴۰۰) میلیون بوند رسید. بعد ازان رو به تخفیف گذارده تا (۸۰۰) میلیون بوند تزلق کرد و هنوز بودجه او بلند است. انگلیسها اظهار داشتند که بایستی بار خود را بردوش خود گرفته بمنزل برسانیم و از دیگر طرف چشم امیدی نداشته باشیم، اگر از المان توان جنگ واز فرانسه و دیگر دول قروض خود را در یافت نمودیم آن را در قرض امریکا می بردازیم، و همچنین نمودند و در نتیجه آن وهم بعض عوامل دیگر قیمت بوند انگلیسی بعد از تزلق بلند رفت و با (ریان) امریکا که امروز سید نمود عالم است بنای همسری را گذاشت.

اما فرانسه رفتار همسایه خویش انگلستان را تعقیب نکرد و از اذ عان به حقیقتی که انگلستان تسیم نموده بود اباورزید. باعث ایالی فرانسه از تعقیب فکر انگلستان یکی از مندوام راهاردوی آن بوده است که ارکان سیاست فرانسه امکان تنفیذ معاهده و رسایل رامعتقد بودند یاتزلل و به کلی از اپاقادن المان را نسبت به اینکه چیزی بول از بیگنند و وی زنده و بیانی خویش استاده عنان درجیج میدادند. مسیو و انتکاره حامی بزرگ این سیاست بود و علاوه اظهار می نمود. اما اگر برای فرانسه دمشکل دیگر یعنی آمد ممکن بود سیاست متعدد خود را نگام بد هد آن دو مشکل یکی صرف یشتر از (۱۰۰) میلیار فرنک بود در تعییر مملکت که از باعث جنگ خراب شده بود. فرانسه این بول را بحساب المان صرف کرد و بودجه مخصوصی برای آن ترتیب داد. مشکل دیگر مقرض بودن فرانسه بود از امریکا و انگلیس پیشتر از (۱۲۰۰) میلیون بوند که هنگام جنگ از او شان قرض گرفته بود و بعد از جنگ مبلغ فوق را با آنها حجت داد. اما انگلیس تاکه نموده چنان قرار داد که هر قدر بول از قروض خود که بر فرانسه و سارین دارد گرفت، آن را به قرض امریکا می بردازد. امریکا هم مقررات انگلیس را قبول نمود لاتن نسبت به فرانسه تصمیم گرفت که قروض خود را تا پول آخرین آن ازو مقاضی شود و از تاکه با او انکار کرد، مخصوصاً بعداز کنفرانس بحری و اشنگن و موقف عسکری

«پیام مشرق»

نه تر نمی نه جوشی نه طینی نه در دی
به خم سپهر تاکی می نارسیده باشی
(سیدل)

— ۹ —

«پیام مشرق» نام مجموعه اشعار و افکار یکی از مجموعه های جدیدی است که در ادبیات فارسی در این عالم تاریخ، مثل ماه طلوع نموده کاروان برآه افتاده مارا «بزم اهتدای» میشود یا بانگ درا. محترم پیام مشرق شاعر شهر علم اسلام «دو قبور اقبال» است. اقبال از خطه کشمیر بینظیر و مقیم لاہور هند وستان است.

اقبال در بهترین مکاتب اوروبا (کیمبریج) تکمیل تحصیل نموده و در آلمان دوقبور فلسفه (پی-ایچ-دی.) شده برآمده است، برای فلسفه شاید جلوی عالی تراز آلمان در دنیا امروز موجود نیست. گویا اقبال درجه متواتی «عرفان» این خاکدان را طی کرده است، و بعدیش فطریت و حقیقت اسلام سر بلند خود را خم نموده است، فطوفی له.

اقبال اعتراف میکند که این در دنی است، این آگاهی قابی او، این محبت او به رسول الله و قوانین و سنن سنی او صلی الله علیه وسلم، از برکت افغان مبارک بعض حضرات اهل دل است.

خرد آموخت هرا درس حکیمان فرنگ

سینه افروخت هرا محبت صاحب نظران

اقبال اوروبا را بنظر حکیمانه دیده، مضار و مساوی این مدنیت سفیله اورا متفر ساخته است، و شاید در دنی دنی او را همین تجارت بینز تقویه نموده.

اقبال شعر را در مکتب استعداد یتاب خود تکمیل کرده دماغ اورا فلسفه صیقل نموده، و دل درد مند او منظور نظر کیمیا گران معنی گردید، لهذا اقبال مالک افکار عانی و حقیقت شناس، زبان شسته و از انگلز شده، ام باسمی شد.

اقبال را مردم مملکتش شناختند اورا «ترجان حقیقت» و «صور فطرت» خواندند، دیگران بهتر تر شناختند و اشعارش را از مکاتب و کتب درسی کشیدند، حالا حکومت او را (سر) خطاب داده که بگفته خود او «ابتلا» است، و نورین هند آزا از «محابی خطاپات» میخوانند.

(یک جشن باشگوه)

در قونسلگری یارکند

به تقریب ورود شب (۱۰) حوت که یاد کار باشوف سال (هفتمن) جلوس اعلیحضرت غازی است، در یارکند از طرف جنجال قونسلگری افغانی جشن باشگوه گرفته شد. در مجلس مذکور اعیان و اشراف یارکند با مسیورهای سویی و آباع دول دویسی، ویرطانیا و بعده دول خودمان حضور رسانیده بودند، اول جناب جنجال قونسل افغان آقای محمد شریف خان بزبان ترکی صریح یارکند از تشریف آوری مدعونین اطمیار امتنان و تشکر فرمودند.

سیس از طرف «لیوجانک بن» (انبان) یارکند یک نطق شهادت بلینی بزبان ترکی یارکندی راجع به تبریک ورود سال هفتم جلوس اعلیحضرت غازی و اظهار احساسات دولت ایشان نیست بمحکومت علیه افغانی و علاقه مندی به ترق و تعالی آن اراد شد. بعداز اختتام نطق آقای (لیوجانک بن) مستر (اریل) سویی برای خواسته و نطق آقای را بزبان ترکی ایجاد فرمودند! امروز که جناب جنجال صاحب اینقدر تکلیف برخود اختیار نموده اند، و مارا درین مجلیسی که یاد کار جشن جلوس اعلیحضرت غازیست دعوت فرموده اند، نیتوایم از قصدهم تپریسکات خالصانه نه بعنوان سیاسی بلکه بدون طرفداری خود داری تمامیم

در خاتمه جناب جنجال قونسل افغانی برای خواسته ورود خود را بطرف مسلمانی که در آن مجلس حضور داشتند نموده فرمودند!

برادر های دینی من این روز مبارک را بهم شما عموماً و به برادران افغانی خود خصوصاً تبریک میگویم. پیش از هفت سال یعنی پیش از اینکه اعلیحضرت غازی افغان (امیرامان الله) خان بر تخت سلطنت افغانستان جلوس نمودند اینچین ارتباط میان ام شرق و این اتحاد و اتفاق که امروز درین دول تلاهن اسلامی؛ افغان ترک، و ایران، موجود است نبود. پس عموم مسلمان ها را میلست که این روز شرافت اندوز را یک روز بهشت و سرور دانسته و وجود قائدین اسلام را مفتض شمارند و نگذارند از بی اتفاق خود شان اجابت استفاده بکند، نطق جناب قونسل با فرج و شادی بسیار اختتام پزیر فته، مجلس هم ختم گردید.

و منورین هند آزا از «محابی خطاپات» میخوانند.

متوجه میشوند ! حالا سیل استادانه دهر مارا از خواندن «واقف» بادیده های اشکار منع کرده میروند متنی که در هر طرف لزوم راه ، راهبر ، و راه پناه داریم از هر چیز نشان منزل مقصود میجوئیم شعر را هم از همه زیله ام تو شاید از همه اولتر باید برای همین سفر «مسابقه حیات» «تازاع للبیقا» استعمال کنیم .

بلی ما در دست چرخ تقدیر (خواه خود را خبر کنیم یا نکنیم) مسابقه حیات آغاز کرده ایم ، هر که مسابقرا باخت ، مثل عهد رومای کبوی ، غذای شیران گرسنه می شود ، حیات دیگر با او کاری ندارد ، او صرف ادامه حیات دیگران میشود ! بلی حیات حیوانات بمحاجیات انسانها ادامه می شود ، همین سه احکام نیروهای امروزه که بر تخت سلطنت مدنیت نام وحشت مطلقه نکن دارند .

توجه به «شعر» را از همه اولتر گفتم بازیخال که افراد موجوده ملت ما همه نمیتوانند عکس درآمد و مثل اولادهای شان از کوچکی تهیه این مسابقه بکنند ! و به این مسابقه تازاع محیور هستند (زیرا در صورت مسابقه نکدن زودتر بعلم عدم می شتابند) . شعر آن انجکسیون روشنی است که این افراد را نیز متحسن ساخته بمال می آورد ، واگر خون در بدنه شان قطعاً فاسد ، یامحمد نشده باشد ، اگر در دل شان پیشی موجود باشد ، اینواسطه یگانه است برای اینکه اصلاح مراج از حیات مایوس ، غیرت ناماًوس شان را بخاید . در تاریخ یاداری ملل دنیا ، علی الخصوص اقوام اسلامیه شعر اثر های مخصوصی دارد ؛ شعر رایک گونه التام میگویند فی الواقع شعر «صدای دل» است ، صدای دل در دلها جامی کند ، هر قدر دل در دند تر باشد شعر سوتھه تر و سوزند تر می آید ، اینکه اقبال یکی از اهل دل است که دلش دردمند و کلامش دلگرین است ؛ مقصد این مقاله همان اشعار و خیالات را باختصی شرح به ملت بی شاعر خود شناوند است نه اینکه تنقید یا تقریظ پیام مشرق نمودن ، چه از جهت خیلی دیری که ترجمه های انگلیزی و فرانسوی و آلمانی آن کتاب هم طبع شده اند نه اراده محمود است و نه این بصناعت موجود .

علاوه بر فارسی دانهای افغانستان دیگر فارسی زبانها هم خیلی میروند فا شود . (اگرچه بقدر لازم هنوز رفتار فای آن سرعت ندارد) حالا دیگر ملت اسلامیه ایام غفلت خانخانه ایان را تغیری کنند . حالا دیگر بمحاجی الفاظ بهمنی و بخانی کابده به روح

اقبال تنها برای هند نیست ، زیرا مهمترین آثار او در زبان فارسی نوشته شده است ، اقبال از تمام علم اسلام است ، خود هم بقید نسل و نسب نیست ، بلکه اگر قیدی دارد عشق مسلک و مسلک عشق است .

اشعار اردی اقبال مثل اشعار فارسیش وجود آورست ، شکده اقبال بن آن درد داده که از بسی عادات نگرفته ام ! در آثار فارسی او رموز نیخودی و اسرار خودی خیلی مشهور و مرغوب است .

شura دو قسم هستند یک آنان که غایه و غرض شان شعر است و شعر شان تصویر همان تصورات بدیعه که منطق آرا شعر میگوید ، و آیه حقایق کنای (یقولون مالا یافعون وف کل وادیهون) چهره نمای آن آواره گان یه خیال است ، نوع دیگر حضرات بامسلک و متفکری اند که آزا و سیله حسن افاده مرام ، واستحصال مطلب صحیح ساخته اند مثل سعدی ، جامی ، رومی ، سانی رحیم الله تعالی اجمعین .

درین عصرهای اخیر ما یک رقم شعری داشتیم که در سنگین ساختن خواب غفات ملت ما هیچ تصریبی نکرده اند ، بدل در مقابل یک سکته لفظی که آرا «ضروت شعری» خوانده بودند ، «شعر چه ضرور؟» فرموده بود ، آیا باین شعرای ما که روحيات ملت را گرفتار سکته فاجی ساخته اندچه میگفت ؟ این شاعرها از تزلزل و خرابی معنویات جامعه خیلی (یل خیلی) کمتر متحسن بودند ، بلکه خود یکی از خرابی ها بودند ، واهیت این بدیعه (شعر) را که در دست ناشسته شان زهرگان شده بود نمیدانستند ، و درکنیکردن که به دل و روح مردم چه نشتر های زهردار میدراورند اینها کشته الفاظ بودند ، تلازم و تابع معنی یگانه ، صنایع دیوانگانه ، مبالغات فوق الامکان ، تشبیهات و استعارات یعنی مقصد این بقصدها بود . «عشق» ! این عاطفه قدسی را بدرجۀ «امرد برستی» تزلزل داده بودند کله های عرب در شعر آوردن را فقات و سخافت مینایند ، تنها کلات بلکه مضماین جدی و وقوف اخلاقی و سیاسی هم بر طبع زند و برشان و میگسار غزل های شان مثل سنگ گران بود ، شعر تها برای گل و مدل چن و بلبل ، و سرایهای معشوق ناقابل قصور موهوم ایشان مخصوص بود .

ولی الحمد لله این بی مبالغی ، این مده فرسوده دیگر از قلمرو علم میروند فا شود . (اگرچه بقدر لازم هنوز رفتار فای آن سرعت ندارد) حالا دیگر ملت اسلامیه ایام غفلت خانخانه ایان را تغیری کنند . حالا دیگر بمحاجی الفاظ بهمنی و بخانی کابده به روح

در اطراف انتخاب رئیس المان

مار شال هندبیر گ

دنیا میخواهد یک منظره خوبین دیری بعلیان نشان بدهد شعله های دود آلد یک ولکان عالم سوز از محیط تاریک ار وا پلند شده دارد دنیای بشریت را بلزه آرد !

جرایدار و بالحن شدیدی از یک جنک خوبین جنس متعدن پیش پیش بینی ها مینمایند ، و عموماً می سرایند که جامعه متعدن بشریت یکبار دیگر برای امتلای شکم امپریالیستی و استعماری خود ، ملیون ها افراد هنوع خود را فدا خواهد کرد !

از یکطرف عدم امنیت و اعتماد دول نسبت بهم دیگر شان و از طرف دیگر هم حرکات ملل شرق برای استداد حق مشروع خود محیط اروپا را تاریک تر ساخته ار رقبات های دول هم روز بروز شدت میکند . بین انگلیس و فرانسه تا کنون روابط مستحکمی برقرار نشده اثرات افکار سویسالیستی ار کان کهنه تهدن دمکراتی را متزلزل می نماید !

برمعاهدات بین الدولی هم بعد ازین اعتماد کردن ممکن نیست زیرا از موعد مقرره تخلیه کلون مدنی میگذرد و هنوز هم تخلیه نشده ، این معاهدات حکم کاغذ پاره های را گرفته که شمال شدید آرزو و آمال (اقتدار) میتواند آن هارا همه وقت برآگنده کند . عملیات بین المللی هم در پیشکاه عموم ملل دنیا در قصیه مصر نشان داد که نمیتواند از حقوق ضعفا حمایت کند و همه وقت کار روانی های او در مقابل اقدار عقیم خواهد بود !

خط مشی سیاست اروپا کنون بخوبی معلوم نیست ، چه هر روز محیط اروپا رنگ دیگر اختیار میکند . در مسائل اقتصادی و توان اینکه روزی بخوبی تولد خواهد شد . دیلی گر افگان می سراید اگر خاندان شاهی آلمان بس روی کار آید اهمیتی ندارد ، واما آگر آن روح که قبل از جنک عمومی در آلمان وجود داشت پس مجرم کت آمده باشد بدینی است که آلمان یک قدم یشتر خواهد کنداشت . دیلی تلگراف عقیده دارد که هندبیر که کله سیاست ندارد کایه فتوحات وی نتیجه اولین شخص عالم سیاست امیر البحر آلمان (وان تربت) بود ، و اکنون هم خوف آن میروند که مشاریه در شورای هندبیرک داخل شود ، در آن صورت باید گفت اروپا باید خطره مهیجی مقابل شده است . مارنک بوسی مینکارد در آلمان برای انتخاب هندبیرک جشن گرفته شد اما حقیقتاً پرده فاتحه دموکراتی را خواندند عده از جراید انگلیس می سرایند : ریاست هندبیرک اطمیه بزرگ به تجارت انگلستان وارد خواهد ساخت و تجارت آلمان بصورت

مستحبین ازین اختلال و اقلاب عمومی بسته آمده بزده از روی کار بر میدارد ، و درینی از نطق های خود از وقوع جنک پیش بینی نموده میگوید :

« باز خطرات جنک زیاد شده میروند ، اگرچه این جنک امریوز نشود فردا هم نشود و ممکن است در حیات من هم واقع نشود ، امانتا و قیکه مایسیست خود را تغیر ندهیم ، مردم را ازین مخاطرات آسوده فسازیم ، و اوضاع بین المللی را اطمینان بخش نمایم ، برای ما هر روز معلوم خواهد شد که اروپا بطرف یک پرتگاه میوی میروند و لو باقدم های خیلی بطنی باشد »

مرغوبی در جریان خواهد افتاد. روز نامه طمس مینویسد که این انتخاب انقدر هم مبالغه امیز و قابل اهمیت نیست لاکن از طرف دیگر هم نباید غافل بود که در اروپا نسبت به این انتخاب هیجان غربی تولد شده است.

فرانسه ازین انتخاب در دریای بہت وحیرت افتد. جراید فرانسوی پریشانی زیادی نشان داده می نویسند:

ما دیگر بعد ازین با حکومت آلمان نیتوایم مذاکرات خودرا بسهولت انجام بدهیم، اگرچه بعضی از جراید فرانسه تاکنون عقیده مصالحت نسبت به آلمان دارند. اما غالباً مینویسند که آلمان در پرده دموکراسی امپراطوری را پنهان داشته. مخالفین تصدیق خواهد نمود که رویه صلح و سلم نسبت به آلمان یک خط بزرگی است. این انتخاب دول متحده اروپا و امریکا را به مبارزه دعوت کرده است. میتو برویان در ضمن یک نقط خود متذکر شده بود کسیکه می گوید با آلمان رویه مصالحت کارانه اتحاد شود، اکنون ذمه داری خود را ملتخت خواهد شد که با این جنین یک دولت که رئیس آن مقصرون گشته عمومی است چگونه میتواند فکر خود را عمل بیرا شود.

سیاسیون امریک با متشاهی حیرت و تمجیب خبر انتخاب هندن برلکرا تلقی نمودند. سفیر کیر اتاونی در آلمان مستر جرارد بروزنامه تایمز می نویسد که ختم طرح داور با انتخاب رئیس جمهور تازه آلمان متزلف است تجدیدنظر بر معاهده حمله امیت عمومی را خلل داری سازدو علناً آلمان دارد بطری امپراطوری میرود سفیر دول متحده امریک در آلمان اعلان کرده است که حکومت آلمان طرز داور را نسبت به مسئله قروض تبدیل نخواهد نمود. و خیلی کوشش دارد این رویه را با اقدام ناموس کارانه طی تجاید، اهالی آلمان عموماً با این بروگرام موجوده توافق دارند. صرافان امریک عقیده دارند که بعد ازین سرمایه امریک در کار حامی آلمان به سهولت ریخته نخواهد شد و دیگر قرضه هم به آلمان آزادانه نمیشود داد.

لهستان ازین انتخاب ترسیده و خودرا بدامان اروپا انداخته در تمام جراید خود مینویسد که مارا بایستی از حمله ناگهانی آلمان دول متحده حنفیت نماید. جراید آلمان مینتگارند که هندن برگ آلمان را در مقابل دول علم محترم خواهد ساخت و از ریاست او پرتوامیدی بوطن عزیز ما آلمان خواهد نماید. هر اشتیزمان، در روزنامه خود مینویسد: از انتخاب هندن برگ هیچ خطره نه در سیاست و نه در بازگشت امپراطوری واقع نخواهد شد. احراب دست را است با ملیون آلمان ازین انتخاب

شماره (١٩)

شیده شد، ملای لگ و رفیق او عبدالرشید مایک عده دیگر از رؤساه اشرار و مقصرين بزرگ که عده شان بالغ به (٥٤) نفر بود حکوم به اعدام گردیده به ساعت یکنیم بعد ظهر در میدان سیاستگ از طرف نظامیها (چاند ماری) تیرباران شدند. جند عده دیگر نفی البد و بر غم دادن حکوم گردیدند.

(غزل)

بزیر جرخ نگون آه اتحاد بجاست
میان مردم اسلام آن وداد بجاست
بدوستان که نداریم ما سرف
یدشمنان زسر کین بگونه داد بجاست
به اجنبی که تعصب نمیتوان کردن
به آشنا و رفیق خود اعتماد بجاست
ذطرز حال که امروز و حتی داری
بگو بشیوه اجدادت اعتماد بجاست
اگر به فیشن ییحد شوم ما راغب
دگر بگوی که آن راه اقتصاد بجاست
بجاست غیرت و همت چهشد شجاعت ما
جه شد اخوت اسلام و اتحاد بجاست
هان سرآمد گیها و نصرت مایان
جه شد عنزیر من آن شیوه سداد بجاست
(قدای) وطن و دین و دولتی ظاهر
بدل رحب وطن ماده مواد بجاست
(عبدالاحد فدائی، مأمور یلکراف یسیم)

اعلان از وزارت تجارت

موازی یک دربند کاروان سرای واقع بارانه مشهور برای
محنه است به مبلغ پنجهزار و هفت صد و هفت رویه و پست
و پنج پرسه قیمت گردیده شخصی بوزارت حاضر گردیده و خواهش
خریداری ازرا به قیمت مذکور بهجهار قسط (٦) ماه در ٦ ماه
از تاریخ اول جوزا الی دو سال نموده که قسط اول را نقد میدهد
و باقی وجه اقساط را ٦ ماه در ٦ ماه بقرار چرت شرعی تحويل میدارد
هر کام شخصی اضافه از قیمت آن خواهش و خریدار شوند
رجوع بوزارت تجارت فرماید. معین وزارت تجارت محمد حیدر

جريدة چهره نما

جريدة (چهره نما) یک جريدة مصور فارسي است که در مصر هفته یکباره به قلم آفای مؤدب السلطان حاجی میرزا عبد الحمد خان ایرانی نشر می شود.
قیمت اشتراك سالانه آن (١٥) رویه کلی است هر کس میل به اشتراك آن دارد به اداره (امان افغان) رجوع نماید.

دائره یاوری حضور

بعوق جشن استقلال امتعه و مصنوعات و مؤلفات وطنی
یعرض نمایش گذارده و برای کسانیکه در فن خود اظهار لیاقت
و براعت خوده باشد علی قدر صفاتهم اقام داده می شود. برای
تشخیص مستحقین اقام وقعن مراتب آنان در همان موقع یک
هیئت مقتضه مقرر می شود وعلم آوری بر مؤلفات
و تراجم و دیگر امور عرفانی مثل خوش خطی و غیر بوجه ضيق
وقت کماهی نمی شد برای رفع تکلیف و سنجش درست حسب
امر شاهانه که به داره یاوری رسیده است ملاحظه و اعطای انعامات
امور عرفانی از قبیل تالیفات و خوش خطی وغیره به وزارت
معارف تعلق گرفته است
بناء على هذا (مدیریت جشن) ارباب عرفان را از همین
وقت آگاهی میدهد که کتب و نوشهای خود را بوزارت معارف
برده بعد از تقدیر وزارت معارف اقام لازم را از خود وزارت
مشاریها باز یافت نمایند. اقام همچه امور از امسال (١٣٠٤)
مه بعد تعلق به (مدیریت جشن) ندارد.

مدیریت مستقله طبیه

با انتخاب مدیریت مستقله طبیه اشخاص ذیل از حضور
اعلیحضرت والا بنشاخانه های ولایات مدیر گردیده اند
ص میرزا سید قاسم خان مدیر شفاخانه مناز شریف
ص میرزا محمد عمر خان « قند هار
ص میرزا یرات علی خان « هرات
ص میرزا محمد مصوص خان « قطعن و بدختان
ص میرزا عبدالقیوم خان « حکومت اعلی مشرق

(محاذات اشاره)

سمت جنوی

روز دوشنبه (٤) جوزا برای محاذات اشرار سمت جنوی مثل ملا
عبد الله لگ و ملاعیدالرشید وغیره تعیین یافته یکروز قبل عموم
مستخدمین و بزرگان شهر رسماً بوزارت حریمه دعوت شده
بودند جمهور مردم شهر و نواحی به یک ازدحام و کثیر
فوق العاده که هیچگاه دیده نشده است باطراف وزارت
اجتمع داشتند. متاسفانه تنظیمات و ترتیبات طوری بود که
موقع مناسب برای مطالعه جریانات مجلس و کسب اطلاع
حضوری جهت محترم حاصل نگشت قرار یکه از زبان دیگران

﴿سیاحت در جوف زمین﴾

(یا)

فن طبقات الارض

ترجمه آقای سلطان محمد خان افغان

۱۹۰۰

بنده - در خلاص کردن یک امر اهم مصروف بودم ، سرم دور میخورد طرف کاغذ دیده دیده چشمهايم پرآب گشت ، یكصد و پنجاه و دو حرف ، مانند ذرات جو ، پيش چشمهايم میپرید ، مانند کسیکه خون سوی سرش به یك سرعت غیر عاری بالابرود ، و در فضاء مانند مگسها چزههای خیالی پيش چشمهايش پرواز کشند ، در يك گونه رعشه عارضی مبتلا گشتم ، از وقت نفس ، دق گشتم ، ضرورت هوارا محسوس کرده کاغذيرا که بدستم بود ، بادزنه ساختم خودرا هوا میدادم : بعلور یک گاهی روی کاغذ ، و گاهی پشت کاغذ ، متواتر پیش چشم میگذشت ، همچنین بادزنه را حرکت میدادم که نظرم بر چند لحظه لاطینی افتاد و حیران ماندم . در همان ساعت در دلم این خیال پیدا شد که سر خواندن حرفهای مخفی را معلوم کردم ، حالا دانستم که ، حرفهای تکه چرمی را بر کاغذ نوشتن و خواندن ضروری نیست ، اطريقه عموماً امر نوشتن داده بودند ، بهمان طریق بسهولت خوانده میشود . قیاس عمومی نسبت به ترتیب حروف تکه چرمی بسیار راست بود فقط یك سرمه فرق داشته ورنه همکی تکرا از اول تا آخر میتوانستند بخوانند . لاؤن بمساعدت بخت نیک فرجام به خواندن تکه من موفق شدم .

در این اثناء بر بنده یك حالت عجیب طاری شد : چشمهايم تیرکی اختیار کرد ، روی اشیاء بدقت میدیدم ، فی الفور کاغذ را روی میز گذاشت ، دیدم که بی یك مشقت خوب نموده میشد . چون در دلم سکون پیداشد ، باراده گردش پاشدم ، تا که اعصاب مسترخی بحالات اصلی خود عود کند ، بعد از اندک زمان آمد . یك لحظه دراز کشیدم . گفتم « حالا باید این را بخوانم » روی میز خم شدم ، انگشت خود را زمک نرمک ، بر سر هر حرف نهادم . و با آسانی تمام همه حرفههارا خواندم . بمجرد خواندن ، حواسم دگر گون شد و چنان حس کردم که کسی مرا بیک دکه سختی زد . آیا چیزی را که خواندم در عمل هم آمده است ؟ آیا انسان که مانند بوگانه هم وقت و مزرات ندارد ، چنین جسارت را مالک خواهد شد که (جوف زمین) را کنر کند ! بنده از صندلی خود آهسته برخاسته با خود گفتم : (نایام)

در مطبوعه (امان افغان) طبع گردید

﴿بیانیه وزیر مالیات ترکیه﴾

نسبت به ثروت آن

از روز نامه (حکم ملیه ائمه)

(۲)

برای محنت تمام خلق - اگرچه در وقت ایمپراطوری این اهل کرده شده بود - مبلغی که به صحیه داده می شود عین ماهیت را دارد . ماجیور هستیم که اینها را تشویق کنیم و بسکهای که آنها را تشویق می کند . باید آنها را حمایه و به آنها معاونت کنیم . از بسکهای قدیم و از بسکهای نو در این خصوص باید منون شویم .

(بنک اعتبار ملی) در اطنه یك شعبه کشاد کرده است در آنجا بقدر امکان معاونت میکند .

(بنک توتون اقصار) برای معاونت توتون با سرمایه (۵۰۰) هزار لیره تأسیس شده است . اگرچه امثال به معاونت شروع کرده است لیکن در سال آینده به دھقانها زیاده تر معاونت خواهد کرد .

(بنک کار) در خصوص حبوبات و در سائر خصوصات به اهالی سهولت زیاد نشان میدهد معاونت بسکهای ملی که نو تشکل کرده است و با تشکل خواهد کرد . بالای اینها معاونت حکومت هم انصمام شود . هیچ شک نیست که حاصلات زراعیه تر اید خواهد کرد و از این سبب واردات دولت بالغ بر روز زیاده خواهد شد .

ایستاتیکها که در باب قابلیت استحصالیه ملت گفته شد کان میکنیم سخنهاي برخلاف را که در این باب گفته شده تماماً رد خواهد کرد . در جاهای دیگر استاتیکها گرفتیم جونک در این منطقه که پیشتر عناصر دیگر استفاده میکردند و بعد از برآمدن آنها پروراند شیوه یافه بود که تور کها بعد از این از انجمیر ، انکور ، توتون از پنه استفاده کرده نمیتوانند بسازان اسکات کردن آنها جواباً این ارقام را عیناً عرض کرد در باب حکومتی کلان ارقامیکه از دفتر دیون عمومیه حاصل کردم تماماً موجود است .

صاحب این پروراند ها اگر از کونسلهای آنجا وبا از خانه های تجارت اجنبی معلومات میگرفتند باید که این قسم نمیگرفتند . چنانچه را پور یکی از این خانه ها نشر کرده بود عین ارقام و عین قاعات را اختوا میکند . این پروراند ها اعلان میکنند که قابلیت استحصالیه ترک تناقص کرده است و درین راد استحصالات نی بلکه بهراء دیگر (صدا های بالعکس) میروند .